



A Conceptual Model for the Reasons and Circumstance of Earnings Management in Iranian Banks

Shadi Hassanzadeh

Ph.D. Candidate, Department of Accounting, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: sh.hassanzadeh@ut.ac.ir

Bitā Mashayekhi

*Corresponding author, Associate Prof., Department of Accounting, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: mashayekhi@ut.ac.ir

Abstract

Objective: Earning is a critical predictor of the health of the bank. The management of earnings by banks has always been a matter for the attention of banking supervisors, auditors, and standards setters since it can have a positive effect on the stability of financial system and have a negative effect on the transparency of financial reporting. Given the importance of earnings management among the accounting literature, and shortage of quantitative and qualitative research in the field of Iranian banking industry, as well as the qualitative research in earnings management area, this research aims to explore the concepts of reasons and circumstance the earnings management phenomenon in this industry from the perspective of its players.

Methods: The methodology of this research is a grounded theory approach using in-depth interviews for data gathering. For this purpose, seventeen banking experts, including independent and internal auditors, senior executives, academics, and capital market analysts and observers were interviewed. The analysis of the interviews was done completely with Atlas.ti Data Analytical Software Analysis and, three-stage open, axial and selective coding was employed.

Results: A conceptual model was developed based on the Strauss and Corbin paradigm, derived from the analysis of contextual data and the extraction of 213 open codes and their abstraction into 38 subcategories and 21 main categories.

Conclusion: Our analyses show that "achieving target profit" is a core category, and the most important action strategy of bank's earnings management is "to manipulate the Loan Loss Provisions (LLP)" and ultimately bank earnings management consequences are "distortion of financial reporting" and "aristocracy money banks". Our conceptual model presented is based on the social structure and the interaction

process of actors in the banking industry. The results of this study can have a significant contribution to the improvement of banks' earnings management literature and its extension to other industries.

Keywords: Loan Loss Provisions (LLP), Earnings management, The Grounded Theory.

Citation: Hassanzadeh, Sh., & Mashayekhi, B. (2019). A Conceptual Model for the Reasons and Circumstance of Earnings Management in Iranian Banks. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 26(3), 371-392. (in Persian)

Journal of Accounting and Auditing Review, 2019, Vol. 26, No.3, pp. 371-392

DOI: 10.22059/acctgrev.2019.284131.1008203

Received: January 05, 2019; Accepted: April 23, 2019

© Faculty of Management, University of Tehran





تبیین الگوی مفهومی چرایی و چگونگی مدیریت سود بانکها؛ رویکرد نظریه زمینه‌ای

شادی حسن‌زاده

دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: sh.hassanzadeh@ut.ac.ir

بیبا مشایخی

* نویسنده مسئول، دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: mashayekhi@ut.ac.ir

چکیده

هدف: سود، پیش‌بینی‌کننده‌ای حیاتی از سلامت بانک است. مدیریت سود توسط بانکها، همواره در کانون توجه نهادهای ناظر بانکی، حساب‌رسان و وضع‌کنندگان استانداردها بوده است؛ زیرا بر ثبات سیستم مالی اثرهای مثبت و بر شفافیت گزارشگری مالی اثرهای منفی دارد. نظر به اهمیت مدیریت سود در پژوهش‌های حسابداری جهان و ایران و همچنین خلأ پژوهش‌های کمی و کیفی موجود این حوزه در صنعت بانکداری ایران و خلأ پژوهش کیفی مدیریت سود در سطح جهان، این پژوهش قصد دارد به کشف مفاهیم چپستی، چرایی و چگونگی پدیده مدیریت سود در این صنعت از دید کنشگران بپردازد.

روش: روش‌شناسی این پژوهش نظریه زمینه‌ای با ابزار مصاحبه عمیق ساختارنیافته است. به همین منظور با ۱۷ نفر از خبرگان این صنعت (حساب‌رسان مستقل و داخلی، مدیران عالی‌رتبه و اجرایی بانکها، استادان دانشگاهی فعال در صنعت و تحلیلگران و ناظران بازار سرمایه) مصاحبه‌هایی انجام گرفت. تحلیل مصاحبه‌ها، به‌طور کامل با نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی اطلس تی و کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی انجام شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش، به ارائه الگوی مفهومی، مبتنی بر پارادایم استراوس و کوربین منجر شد که از تحلیل داده‌های متنی و استخراج ۲۱۳ کد باز و انتزاع آنها به ۳۸ مقوله فرعی و ۲۱ مقوله اصلی به دست آمد.

نتیجه‌گیری: تحلیل‌ها نشان می‌دهد که «دستیابی به سود هدف» مقوله محوری است. مهم‌ترین راهبرد انجام مدیریت سود بانکها، دستکاری ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول تسهیلات است و در نهایت، «تحریف گزارشگری مالی» و «آریستوکراسی پولی بانکها» پیامد مدیریت سود بانکهاست. ماهیت الگوی مفهومی ارائه‌شده در این پژوهش، بر سازه اجتماعی و فرایند مشاوره و کنش متقابل کنشگران متخصص در صنعت بانکداری مبتنی است و نتایج کیفی حاصل از این پژوهش، در دانش‌افزایی متون مدیریت سود بانکها و گسترش آن به سایر صنایع و مقایسه کیفی آن سهم بسزایی دارد.

کلیدواژه‌ها: ذخیره زیان وام‌ها، مدیریت سود، نظریه زمینه‌ای.

استناد: حسن‌زاده، شادی؛ مشایخی، بیبا (۱۳۹۸). تبیین الگوی مفهومی چرایی و چگونگی مدیریت سود بانکها؛ رویکرد نظریه زمینه‌ای. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۶(۳)، ۳۷۱-۳۹۲.

بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۳۹۸، دوره ۲۶، شماره ۳، صص. ۳۷۱-۳۹۲

DOI: 10.22059/acctgrev.2019.284131.1008203

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۵، پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۰۳

© دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

مقدمه

نقش اصلی گزارشگری مالی، مجهز کردن سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان به اطلاعات مفید برای ارزیابی ریسک و بازده آتی مربوط به سرمایه‌گذاریشان است. تمرکز اصلی و اولیه گزارشگری مالی، بر اطلاعات مربوط به عملکرد شرکت است که از طریق سود و اجزای آن بیان می‌شود. ذی‌نفعان نام‌برده، علاقه‌مندند که جریان‌های نقدی آتی شرکت را پیش‌بینی کنند، به همین دلیل، برای اطلاعات سود اهمیت شایان توجهی قائل‌اند (اف.ای.اس.بی.^۱، ۱۹۷۸). بحران‌های مالی چند دهه اخیر، خاطره دردناکی از مدیریت سود رخ داده بر جای گذاشته‌اند. میزان شیوع و پیامدهای قوی این پدیده، دلایل توضیحی موجهی برای این است که چرا پژوهش‌های مدیریت سود در دوره طولانی، ستون مرکزی و اصلی پژوهش‌های مالی و حسابداری هستند (اوزلی و اوتا^۲، ۲۰۱۷). علاقه دانشگاهیان به مدیریت سود بانکها در اواخر سال‌های ۱۹۸۰ جرقه زد. اقلام تسهیلات و ذخیره زیان تسهیلات (LLP)^۳ حوزه اصلی تحقیق‌های مدیریت سود بانکها محسوب می‌شود. اوج بحران ۲۰۰۸ بانکها، از دستکاری همین قلم تعهدی مهم بانکها نشئت گرفت. LLP شاخص تعیین‌کننده آگاهی‌بخشی اقلام تعهدی بانکهاست و نقش تعیین‌کننده‌ای در پایداری و سلامت بانکها دارد (بیور، مک نیکولز و نلسون^۴، ۲۰۰۳).

صنعت بانکداری ایران، در چند دهه اخیر با مشکلات بسیاری از جمله ورشکستگی مؤسسه‌های اعتباری، افزایش مطالبات، افزایش دارایی‌های غیرمولد، تغییرات نرخ سپرده و تسهیلات و... مواجه بود؛ به طوری که وضعیت سلامت بانکهای ایران با بحران مواجه شد و با توجه به اقتصاد مبتنی بر بانک در کشور ایران، نتایج این بحران صدمه جبران‌ناپذیری بر اقتصاد و ارزش پولی کشور گذاشت. نظارت ضعیف نهادهای مسئول، بی‌توجهی به کنترل داخلی در بانکها و به تبع آن، ناکارآمدی کنترل داخلی و غفلت از تأثیرهای مهم حاکمیت شرکتی مناسب، موجب شده است که راهبری بانکها با حداقل استانداردها و بدون شفافیت و حساب‌دهی به راه خود ادامه دهد (کریمی‌پور، ۱۳۹۷). همچنین از ابتدای دهه ۹۰، بانکها پیوسته شاهد تنزل توان درآمدزایی و در عین حال تشدید فشار بر هزینه‌های مالی خود بودند. بین درآمد و هزینه بانکها شکاف افتاد و زیان‌ده شدند، در نتیجه، برای بهتر و عادی نشان دادن وضعیت مالی خود، به دنبال صورت‌سازی و آذین‌بندی گزارش‌های مالی برآمدند. چالش هزینه - درآمد به چالش بدهی - دارایی تبدیل شد؛ واقعیتی که اکنون سیستم بانکی ایران را به طور کامل با مشکل‌های عدیده درگیر کرده و نتیجه‌ای جز انباشت سود و دارایی موهوم ندارد (بدری و زمان‌زاده، ۱۳۹۶).

این توضیح کوتاه، خود زمینه حاصل‌خیزی برای ورود پژوهش‌های حسابداری، به منظور بررسی بحران پیش آمده در صنعت بانکداری کشور است. در مقایسه با پژوهش‌های انگشت‌شماری که با رویکرد کمی در این حوزه انجام شده است، مانند پژوهش ودیعی و ساعی (۱۳۹۸) که به رابطه معکوس و معناداری بین اقلام تعهدی اختیاری خاص شرکت و بازده غیرعادی آتی سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دست یافتند، نوآوری پژوهش حاضر این است که در آن، پدیده مدیریت سود بانکها با رویکرد کیفی و موشکافانه بررسی شده و چیستی، چرایی و چگونگی آن، بر اساس روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای واکاوی شده است، به طوری که در بخش چیستی، مفهوم مدنظر کنشگران درباره

1. FASB
3. Loss loan provision

2. Ozili, & Outa
4. Beaver, Mc Nichols, & Nelson

مدیریت سود بانک‌ها بیان شده؛ در بخش چرایی، علل و عوامل و انگیزه‌های انجام مدیریت سود در بانک‌ها بررسی شده و در بخش چگونگی، راهبردها و اقدام‌های انجام شده برای مدیریت سود در این صنعت از دید کنشگران کشف و تفسیر شده است و در نهایت، به سؤال کلی پژوهش مبنی بر اینکه از دید کنشگران، الگوی مفهومی تبیین‌کننده چیستی، چرایی و چگونگی مدیریت سود در صنعت بانکداری چیست، پاسخ می‌دهد.

بر این اساس، پژوهش پیش رو با هدف اصلی پرکردن خلأهای موجود از طریق ارائه الگویی مفهومی از دید کنشگران و کشف برداشت ذهنی آنها از واقعیت اجتماعی رخ داده و اهداف فرعی کمک به غنی‌کردن متون مدیریت سود بانک‌ها با بیان مفاهیم زیربنایی شکل‌دهنده این پدیده؛ جلب نظر و توجه قانون‌گذاران و استاندارداران؛ آگاهی‌بخشی در خصوص وضعیت موجود به استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی بانک‌ها و جدی گرفتن مدیریت سود در بانک‌ها و در نهایت، ارائه راه‌حلی برای افزایش شفافیت گزارشگری مالی بانک‌ها و بهبود و ارتقای سلامت مالی آنها اجرا شده است.

در ادامه، ابتدا مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش مرور شده است. سپس، روش پژوهش شامل نحوه گردآوری و تحلیل داده‌ها معرفی شده و در نهایت، الگوی استخراج شده ارائه می‌شود. در آخر نیز بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش ارائه خواهد شد.

مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش

متون دانشگاهی، استفاده مدیریت از اختیارات خود را که در چارچوب قانون و استانداردهای حسابداری انجام می‌شود، مدیریت سود معرفی می‌کند؛ در حالی که سازمان بورس اوراق بهادار، معیارهایی را که قرار است بررسی کند، از مدیریت سود به حسابداری متقلبانه گسترش می‌دهد (سان و راس^۱، ۲۰۰۸). در دنیای بازارهای ناقص و ناکارا، همیشه وضعیت ایده‌آل نیست. دو مورد از نواقص بازار، عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه نمایندگی است که برای وجود مدیریت سود، شرایط پایه‌ای فراهم می‌کنند (واتز و زیمرمن^۲، ۱۹۸۶؛ اسمیت و وارنر^۳، ۱۹۷۹). به اعتقاد دای^۴ (۱۹۸۸) و ترومن و تیمن^۵ (۱۹۸۸)، شرط لازم و نخست برای مدیریت سود، وجود عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهام‌داران است. دومین شرط مدیریت سود، هزینه‌های نمایندگی است. تئوری نمایندگی که توسط بانیان آن جنسن و مک‌لینگ^۶ (۱۹۷۶) مطرح شد، به حل مسئله تضاد منافع از دید قراردادهای می‌پردازد. نقش اصلی قراردادهای ایجاد انگیزه بین مالک و نماینده وی است؛ اما انعطاف‌ناپذیری و ناقص بودن شرایط قراردادهای، به هزینه نمایندگی منجر می‌شود که زمینه دستکاری در گزارشگری مالی را فراهم می‌کند (سان و راس، ۲۰۰۸). در این رابطه، دو دیدگاه متناقضی که از مدیریت سود وجود دارد، رفتار فرصت‌طلبانه و سازوکار علامت‌دهی است. رفتار فرصت‌طلبانه، بر این دلالت دارد که مدیریت از عدم تقارن اطلاعاتی موجود بهره می‌برد تا مطلوبیت خود را در رابطه با قراردادهای پاداش، بدهی و قوانین افزایش دهد. واتز و زیمرمن، نخستین افرادی بودند که از رویکرد فرصت‌طلبانه برای توضیح رفتار اختیاری مدیران در برابر سود گزارش شده و تأثیر بر

1. Sun, & Rath
3. Smith, & Warner
5. Trueman, & Titman

2. Watts, & Zimmerman
4. Dye
6. Jensen, & Meckling

انتقال ثروت استفاده کردند. اسکات، گوی، کریشنان این رفتار را مدیریت سود بد نامیدند. دیدگاه علامت‌دهی بیان می‌کند که مدیران، سود را به‌منظور انتقال اطلاعاتشان در خصوص آینده شرکت، مدیریت می‌کنند. مدیران با هموارسازی سود، به‌دنبال تأثیرگذاری بر قیمت سهام هستند. رانن و سادن و دمسکی و لیو از این رفتار منطقی، به‌عنوان مدیریت سود خوب یاد می‌کنند (برادشو، ریچاردسون و اسلوان^۱، ۲۰۰۱).

مدیریت سود در صنعت بانکداری

سود، پیش‌بینی‌کننده‌ای حیاتی از سلامت بانک است که بر ارزیابی ریسک و ارزش بانک تأثیر می‌گذارد. مدیریت سود در بانک می‌تواند مدیریت ریسک دقیق و درست را به‌خطر بیندازد (گانتز و مور^۲، ۲۰۰۳). پیشینه تحقیق‌های دانشگاهی در زمینه مدیریت سود بانکها، به اواخر سال‌های بعد از ۱۹۸۰ برمی‌گردد. پژوهش گرین‌والد و سینکی^۳ (۱۹۸۸) آغازگر این مسیر بوده است. صنعت بانکداری هم مانند سایر صنایع، انگیزه‌های مشابهی برای مدیریت سود دارد؛ اما انگیزه افزون‌تری به‌علت ماهیت صنعت بانکداری و اجتناب از هزینه‌های قانونی و نظارتی هم وجود دارد. وظیفه اصلی بانکها، جمع‌آوری سپرده‌ها و تخصیص منابع به‌صورت تسهیلات به افراد، شرکت‌ها و دولت‌ها برای مصارف مالی، سرمایه‌گذاری و مخارج سرمایه‌ای است. پس یکی از دارایی‌های بسیار مهم بانک، پرتفوی وام یا تسهیلات بانک است. پرتفوی وام به‌طور متوسط ۹ تا ۱۵ برابر حقوق صاحبان سهام بانکها ارزش دارد و همین بزرگی باعث می‌شود که هرگونه اطلاعاتی در خصوص آن، اثر زیادی بر ارزش بازار بانک داشته باشد. با بررسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه مدیریت سود در صنعت بانکداری، مشخص شد که اغلب پژوهش‌ها، مدیریت سود تعهدی را با یکی از ابزارهای بسیار مهم مدیریت سود، یعنی ذخیره زیان و ام‌ها (LLP) بررسی کرده‌اند. سه فرضیه اصلی آزمون شده در پژوهش‌های مربوط به مدیریت سود بانکها عبارت‌اند از: فرضیه‌های مدیریت سرمایه، علامت‌دهی و هموارسازی سود (اوزلی و اوتا، ۲۰۱۷).

فرضیه مدیریت سرمایه و ذخیره زیان و ام‌ها

در سال ۱۹۸۸، هیئت فدرال رزرو، مجموعه‌ای از نسبت‌های سرمایه مبتنی بر دارایی‌های ریسکی را تصویب کرد. این قوانین در راستای سازگاری با رهنمودهای کمیته بازل^۴ است. توافق بازل، توافقی بین‌المللی در نتیجه ورشکستگی بانک الینویز^۵ بود. این کمیته، قدرت قانونی ندارد؛ اما اغلب کشورهای عضو آن، به‌طور ضمنی موظف‌اند که توصیه‌های این کمیته را اجرا کنند. رهنمودهای معروف به بازل ۱ و ۲ و ۳، بانکها را ملزم می‌کند که حداقل سرمایه قانونی را رعایت کنند. طی رهنمود بازل ۱، بانکها باید حداقل سرمایه قانونی، معادل ۸ درصد دارایی‌های موزون‌شده بر اساس ریسک را رعایت کنند. این رهنمود سه رکن اصلی را پوشش می‌دهد: ۱. الزامات حداقل سرمایه؛ ۲. بازنگری نظارتی؛ ۳. انضباط بازار (پاول، سینگ و ویتنن^۶، ۲۰۰۵).

فرضیه مدیریت سرمایه، رابطه منفی بین نسبت سرمایه و LLP را پیش‌بینی می‌کند. همچنین آگاهی مدیران در خصوص هزینه تخلف از الزامات حداقل سرمایه قانونی، خود انگیزه‌ای برای برآورد کمتر LLPها و افزایش نسبت سرمایه

1. Bradshaw, Richardson, & Sloan
3. Greenawalt, & Sinkey
5. Illinois

2. Gunther, & Moore
4. Basel Committee on Banking Supervision (BCBS)
6. Povel, Singh, & Winton

قانونی بیش از حد اکثر است (احمد^۱، ۱۹۹۹). مویر در پژوهش خود، رابطه بین مدیریت سود و مدیریت سرمایه را بررسی کرد. وی از ابزار ذخیره زیان وام‌ها و سود و زیان اوراق بهادار، به‌عنوان عوامل مدیریت سود بهره گرفت. نتایج نشان داد که وقتی نسبت سرمایه پایین بوده، مدیران از این ابزار برای مدیریت سرمایه بهره برده‌اند (مویر^۲، ۱۹۹۰). شواهد دیگری هم وجود دارد مبنی بر اینکه بانک‌ها برای رعایت الزامات حداقل سرمایه، ذخایر زیان وام‌ها را افزایش و وام‌های سوخته و حذف‌شده را کاهش می‌دهند و سودهای تحقق‌یافته غیرعادی از پرتفوی اوراق بهادار را شناسایی می‌کنند (شولز، ویلسون و ولفسن^۳، ۱۹۹۲ و بیٹی و لیائو^۴، ۲۰۰۹). البته همه نتایج مرتبط با این حوزه سازگار نیستند و پژوهش‌ها در این رابطه، بیشتر پس از ۱۹۸۰ انجام شده‌اند، زمانی که سطح سرمایه بانک‌ها کم بود و قوانین سرمایه قانونی، فرصت بیشتری برای مدیریت فراهم می‌کرد. نتایج این پژوهش و پژوهش‌های کورکیو و حسن^۵ (۲۰۱۵)، اوزلی^۶ (۲۰۱۵)، کلیک، لوبو، راناسینگ و کریشنن^۷ (۲۰۱۲)، بنین و کزاک^۸ (۲۰۱۳) و آناندراجان، حسن و مک‌کارتی^۹ (۲۰۰۷)، رابطه منفی LLP و نسبت سرمایه قانونی را تأیید کرده‌اند.

فرضیه هموارسازی سود و ذخیره زیان وام‌ها

این فرضیه رابطه مثبت بین LLP و سود قبل از مالیات و ذخیره را نشان می‌دهد و پیش‌بینی می‌کند که بانک‌ها از LLP برای هموارسازی سود گزارش‌شده استفاده می‌کنند تا سود را در طول دوره با ثبات نشان دهند و به اهداف قانونی تعیین‌شده یا گزارشگری مالی فرصت‌طلبانه دست پیدا کنند (والن^{۱۰}، ۱۹۹۴ و سینکی و گرین‌والت، ۱۹۸۸). پژوهش‌های مربوط به هموارسازی سود بانک‌ها، از اواخر ۱۹۹۰ آغاز شد و جامعه حسابداری بر این موضوع تمرکز کرد و به‌طور کلی پذیرفت که فرضیه هموارسازی، پدیده‌ای واقعی است. علاوه بر ابزار LLP، پژوهش‌هایی هم برای بررسی رابطه بین سود و زیان اوراق بهادار و هموارسازی سود بانک‌ها انجام شده است.

لوبو و همکارانش در پژوهشی به بررسی انگیزه امنیت شغلی مدیران بانک در استفاده از ذخیره زیان وام‌ها پرداختند. آنها برای دلایل این انگیزه، مواردی مانند نیاز به تأمین مالی خارجی، دسترسی به ابزارهای هموارسازی سود و نسبت کفایت سرمایه را آزمودند. بانک‌ها را از نظر سود جاری قبل از مدیریت و سود دوره‌های آتی به چهار دسته (خوب - خوب، خوب - ضعیف، ضعیف - ضعیف، ضعیف - ضعیف) طبقه‌بندی کردند. نتایج آنها حاکی از این بود که بانک‌های با عملکرد جاری خوب و عملکرد آتی موردانتظار ضعیف، از طریق افزایش LLP و کاهش سود جاری، به دنبال افزایش سودهای آتی هستند و این قضیه برای بانک‌های با عملکرد جاری ضعیف و آتی خوب هم صدق می‌کند. همچنین، ابزار سود و زیان اوراق بهادار برای آزمون هموارسازی سود بررسی شد و نتیجه نشان داد که در گروه بانک‌های خوب - ضعیف، رابطه منفی بین هموارسازی و سود و زیان اوراق بهادار برقرار است و این ابزار می‌تواند جایگزینی برای LLP باشد (لوبو، کانگارتنام و ماتيو^{۱۱}، ۲۰۰۴). بعضی از پژوهش‌ها هم نشان داده‌اند که وقتی سود بانک زیاد باشد، زمینه این انگیزه برای

1. Ahmed
3. Scholes, Wilson, & Wolfson
5. Curcio, & Hasan
7. Kilic, Lobo, Ranasinghe, & Krishnan
9. Anandarajan, Hasan, & McCarthy
11. Lobo, Kanagaretnam, & Mathieu

2. Moyer
4. Beatty, & Liao
6. Ozili
8. Bonin, & Kosak
10. Wahlen

مدیران بانک فراهم می‌شود که مقداری از سود را به‌عنوان ذخیره در پیش‌بینی زیان و ام‌ها برای سال‌های بد (ذخیره برای روزهای بارانی) نگه دارند (سینکی و گرین‌والث، ۱۹۸۸؛ اسکالا^۱، ۲۰۱۵). کریشنان در رساله خود جدول زیر را برای اقدام‌های مدیر در رابطه با هموارسازی سودهای جاری و آتی آورده است (کریشنان^۲، ۱۹۹۹).

جدول ۱. اقدام مدیر برای هموارسازی سود

سود قبل از ارقام تعهدی آتی مورد انتظار			
پایین	بالا		
افزایش LLP جاری	اقدام بسته به میزان سود	بالا	سود قبل از ارقام تعهدی جاری
وان بزرگ کاهش LLP جاری	کاهش LLP جاری	پایین	

منبع: کریشنان (۱۹۹۹)

فرضیه علامت‌دهی و ذخیره زیان و ام‌ها

در مقابل فرضیه هموارسازی، فرضیه علامت‌دهی وجود دارد که به انتظارات آتی مدیریت از سود مربوط است. اگر مدیر انتظار سودهای آتی زیادی داشته باشد، صرف‌نظر از سودهای جاری، ارقام تعهدی را افزایش می‌دهد تا علامتی برای افزایش‌های مورد انتظار بفرستد (احمد، ۱۹۹۹؛ والن، ۱۹۹۴). LLP اغلب با علامت‌دهی بعضی اطلاعات مربوط به بانک در خصوص وام‌های غیرعملیاتی یا پیش‌بینی سودهای آتی بانک‌ها در ارتباط است. طبق این فرضیه، رابطه بین LLP و سود یک سال قبل، در پژوهش‌ها آزمون شده است. لوبو و یانگ^۳ (۲۰۰۳) دریافتند که مدیران بانک‌های با ارزش پایین، از LLPها برای افزایش سطح سود به‌منظور علامت‌دهی در خصوص سودهای آتی استفاده می‌کنند. نبار و انگ^۴ (۲۰۰۷) در پژوهش خود LLP را در سه کشور هنگ کنگ، مالزی و سنگاپور بررسی کردند و نشان دادند که LLP با قیمت سهام و جریان‌های نقدی آتی بانک‌ها رابطه مثبت دارد. این نشان می‌دهد که مدیران بانک‌ها از افزایش LLPها به‌عنوان علامتی برای جریان‌های نقد آتی بهره می‌برند. همین نتایج را والن (۱۹۹۴) برای بانک‌های آمریکایی تأیید کرد. کانگاراتنام، لوبو و یانگ^۵ (۲۰۰۵) عوامل علامت‌دهی بین بانک‌ها را بررسی کردند و شواهد استفاده از LLP توسط بانک‌ها برای علامت‌دهی، مستند شد. به‌طور کلی استفاده از LLPها برای علامت‌دهی آینده بانک وابسته است به: ۱. میزان عدم تقارن اطلاعاتی؛ ۲. تفاوت در انگیزه‌های مدیریت؛ ۳. تفاوت در شرایط بانک‌ها؛ ۴. تفاوت در تفسیر سرمایه‌گذاران (بیور و انجل^۶، ۱۹۹۶). کریشنان در مطالعه خود جدول زیر را در رابطه با اقدام مدیر در مقابل این فرضیه نشان داده است:

جدول ۲. اقدام مدیر برای علامت‌دهی سودهای آتی مورد انتظار

سود قبل از ارقام تعهدی آتی مورد انتظار			
پایین	بالا		
LLP بدون تغییر	افزایش LLP	بالا	سود قبل از ارقام تعهدی جاری
LLP بدون تغییر	افزایش LLP	پایین	

منبع: کریشنان (۱۹۹۹)

1. Skala

3. Lobo, & Yang

5. Kanagaretnam, Lobo, & Yang

2. Krishnan

4. Eng, & Nabar

6. Beaver & Engel

لوبو و یانگ (۲۰۰۳)، سه انگیزه اصلی مدیریت سود بانک‌ها (مدیریت سرمایه، علامت‌دهی و هموارسازی سود) را بر اساس تحلیل‌های مقطعی، سری زمانی و پنلی در رابطه با LLP بررسی کردند. بر اساس مدل سری زمانی، نتایج از فرضیه علامت‌دهی و هموارسازی پشتیبانی کرد؛ اما برای مدیریت سرمایه شواهدی به‌دست نیامد. در مدل رگرسیونی مقطعی سال به سال، فرضیه هموارسازی پذیرفته و فرضیه مدیریت سرمایه رد شد و برای فرضیه علامت‌دهی رابطه معناداری به‌دست نیامد. آنان دلیل نتایج را احتمال تحت تأثیر قرارگرفتن این فرضیه تحت موقعیت‌ها و تصمیم‌های خاص بانک برای هموارسازی سود دانستند. نتایج رگرسیون پنلی مشابه سری زمانی بود.

در ادامه چند نمونه از پژوهش‌های مدیریت سود در داخل ایران ارائه می‌شود. شایان ذکر است، همان‌طور که بیان شد، پژوهش‌های انگشت‌شماری مدیریت سود بانک‌ها را بررسی کرده‌اند و در میان آنها پژوهشی که مدیریت سود را با رویکرد کیفی بررسی کرده باشد، چه در داخل و چه در خارج از ایران مشاهده نشد.

ودیدی و ساعی (۱۳۹۸) رابطه بین ارقام تعهدی اختیاری خاص شرکت و بازده غیرعادی آتی سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. آنها پس از انجام رگرسیون مقطعی روی ۱۹۰ شرکت، رابطه معکوس و معناداری را بین ارقام تعهدی اختیاری خاص شرکت و بازده غیرعادی آتی سهام، مستند کردند (ودیدی و ساعی، ۱۳۹۸).

بدری، ابراهیم‌نژاد و ترشیزی (۱۳۹۷) در پژوهشی، مدیریت سود و قیمت‌گذاری ریسک در صنعت بانکداری را بررسی کردند. آنها به‌دنبال یافتن شواهدی مبنی بر مدیریت سود در صنعت بانکداری ایران با استفاده از ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به‌عنوان مهم‌ترین قلم تعهدی گزارشگری مالی بانک‌ها، در بازه زمانی ۱۰ ساله از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ بودند. نتایج آنها نشان داد که مدیران در صورت عملکرد جاری قوی (سود بالا) به ذخیره سود اقدام می‌کنند و در صورت عملکرد جاری ضعیف (سود پایین)، مصرف سود آینده را در دستور کار قرار می‌دهند. نتایج همچنین نشان می‌دهد که ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول خاص با نوسان قیمتی سهام بانک‌ها رابطه معنادار منفی دارد.

نجفی مقدم و صفا (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر ریسک اعتباری بر نرخ نقدینگی و مدیریت سود بانک‌ها پرداختند. آنها با توجه به اطلاعات در دسترس، از داده‌های ۹ بانک طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ بهره گرفتند. نتایج آنها نشان داد که ریسک اعتباری بر نرخ نقدینگی و مدیریت سود بانک‌ها تأثیر معنادار دارد. این نتیجه بیانگر آن است که توانایی بانک‌های منتخب در جذب سپرده‌ها، منابع لازم برای اعطای تسهیلات، خرید دارایی‌های ثابت و... را در اختیار آنها قرار می‌دهد و از این طریق، به افزایش نقدینگی و همچنین مدیریت در سود منتج می‌شود.

نادی قمی، حاجی‌زاده و گمار (۱۳۹۶)، تأثیر اهرم مالی و نقدینگی را بر مدیریت سود و سرمایه بانک‌های تجاری ایران طی دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ بررسی کردند. نتایج حاکی از تأیید رابطه معنادار بین متغیرهای بیان شده است و بانک‌ها برای انجام مدیریت سود و سرمایه، ذخایر کافی در حساب‌ها در نظر نگرفته‌اند.

تأثیر توانایی‌های مدیریت، به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی ۱۰۷ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را مشایخی و عظیمی (۱۳۹۵) بررسی کردند و به رابطه منفی بین مدیریت سود واقعی و عملکرد شرکت دست یافتند و نشان دادند که توانایی مدیر، این رابطه منفی را کاهش نمی‌دهد.

حجازی، محمدی، اصلانی و آقاجانی (۱۳۹۱) پس از بررسی دقت پیش‌بینی مدیریت سود با استفاده از شبکه‌های عصبی و درخت تصمیم‌گیری، نتایج را با مدل‌های خطی مقایسه کردند. برای این منظور، از ۱۱ متغیر تأثیرگذار بر مدیریت سود، به‌عنوان متغیرهای مستقل و از اقلام تعهدی اختیاری، به‌عنوان متغیر وابسته برای ۵۵ شرکت استفاده کردند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که روش شبکه عصبی و درخت تصمیم در پیش‌بینی مدیریت سود نسبت به روش‌های خطی دقیق‌تر است و سطح خطای کمتری دارد. ضمن آنکه مدیریت سود با متغیرهای اقلام تعهدی اختیاری و غیراختیاری دوره قبل و عملکرد شرکت، اندازه و تداوم سود در هر دو روش، دارای بیشترین ارتباط است.

لنگری‌زاده (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود به بررسی رابطه LLP و هموارسازی سود در ۱۴ بانک ایرانی پرداخته است. وی با استفاده از ضریب ایکل و بیدلمن، بانک‌های هموارساز و غیرهموارساز را تفکیک کرده است. نتیجه اجرای رگرسیون خطی چندمتغیره، رابطه بین ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول و سود قبل از مالیات و ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول را رد کرده است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای^۱ استراوس و کوربین با ابزار مصاحبه‌های عمیق ساختارنیافته بهره برده است. رویکرد آن کیفی است و در دسته پژوهش‌های اکتشافی قرار می‌گیرد. روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای، روشی استقرایی برای نظریه‌پردازی و نظریه‌گستری است که در آن، نظریه تدوین‌شده از داده‌هایی برخاسته است که به‌شکل نظام‌مند و هم‌زمان گردآوری و تحلیل شده‌اند. الگوی استفاده‌شده در این پژوهش، رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین است که بر تحلیل داده‌ها از طریق رویه منظم کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و انتخابی تمرکز می‌کند و بر عرضه پارادایم منطقی یا تصویر تجسمی از نظریه در حال تکوین تأکید دارد (استراوس و کوربین^۲، ۱۹۹۰).

جامعه و نمونه آماری

نمونه‌گیری پژوهش‌های کیفی، معرف انتخاب گزینه‌هایی است که بتواند بیشترین کمک را در فهم یک پدیده انجام دهد. در این پژوهش، از نمونه‌گیری نظری استفاده می‌شود. نمونه‌گیری نظری، فرایندی است که دربرگیرنده گردآوری مداوم داده برای خلق نظریه است، به‌نحوی که تحلیل پیشین بر نحوه تصمیم‌گیری پژوهشگر در خصوص اینکه چه داده‌هایی باید گردآوری شوند، اثر می‌گذارد. نمونه‌گیری زمانی به پایان می‌رسد که پژوهشگر به اشباع نظری رسیده باشد. منظور از اشباع نظری، این است که داده‌های اضافی به تکمیل و مشخص کردن مقوله جدید کمکی نکرده و نمونه‌ها از آن پس مشابه به نظر می‌رسند.

قلمرو مکانی پژوهش، صنعت بانکداری و افراد فعال در این زمینه است و قلمرو زمانی آن سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ در نظر گرفته شده است. برای اجرای این پژوهش و روش نمونه‌گیری گلوله برفی، پژوهشگر چهار جامعه اصلی که شامل حسابرسان (مستقل و داخلی)، مدیران عالی‌رتبه و اجرایی بانکها، استادان دانشگاهی باتجربه کار و مشاوره در حیطه

1. Grounded theory
2. Strauss, & Corbin

صنعت بانکداری و تحلیلگران و ناظران بازار سرمایه را انتخاب کرد و مصاحبه‌ها را با این افراد انجام داد. طی انجام ۱۷ مصاحبه با افراد نام‌برده، داده‌ها به اشباع رسید و به انجام مصاحبه‌های جدید نیاز نبود. جدول ۳ مشخصات مصاحبه‌شوندگان را نشان می‌دهد.

متوسط زمان هر مصاحبه ۷۲ دقیقه بود و به‌غیر از دو مورد تماس تلفنی، بقیه حضوری انجام شد. برای تحلیل و فرایند کدگذاری، ضمن تحلیل روی کاغذ و برچسب‌گذاری‌های دستی، از نرم‌افزار اطلس تی^۱ بهره گرفته شده است. در نهایت، پژوهشگر به کمک نرم‌افزار یاد شده، توانست با نظم‌دادن به انبوه یادداشت‌ها (۳۶۱۷۷ کلمه از نقل قول‌های انتخاب‌شده) و کدها و مفاهیم موجود در متون تایپ‌شده و بصری کردن خانواده کدها و شبکه مفاهیم و روابط موجود، به الگوی مفهومی مدنظر دست پیدا کند.

جدول ۳. مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	سمت مصاحبه‌شونده	تعداد مصاحبه	سابقه کار	تحصیلات کارشناسی ارشد	تحصیلات دکتری
۱	مدیر بانک	۵	متوسط ۱۳ سال	۳	۲
۲	تحلیلگر و ناظر بازار سرمایه	۴	متوسط ۱۰ سال	۱	۳
۳	حسابرس مستقل و داخلی	۶	متوسط ۲۵ سال	۲	۴
۴	استاد و مشاور دانشگاهی	۲	متوسط ۲۰ سال		۲
	جمع	۱۷		۶	۱۱

تجزیه و تحلیل داده‌ها

کدگذاری باز^۲

کدگذاری باز، یعنی بررسی کردن عمیق و دقیق نوشته‌ها، مصاحبه‌ها و اسناد به صورت خط به خط و حتی کلمه به کلمه (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). در این مرحله، پژوهشگر با استفاده از نرم‌افزار اطلس تی، متن تایپ شده برای هر مصاحبه را با دقت خواند و بر اساس اهمیت مطلب، در قالب نقل قول‌هایی^۳ که گاه در حد یک جمله و گاه چند جمله یا پاراگراف بودند، تفکیک کرد. سپس به هر نقل قول، کدها یا مفاهیمی بر اساس ماهیت و مفهوم کلی نقل قول اختصاص داد. این مفاهیم یا کدها را می‌توان از آثار و متون علوم اجتماعی (کدهای برساخته) یا از اصطلاحات مصاحبه‌شوندگان (کدهای جنینی یا زنده) تهیه کرد که چون کدهای زنده به داده‌های مورد مطالعه نزدیک‌ترند، ترجیح داده می‌شوند. شایان ذکر است که حدود ۳۲ درصد کدهای استخراج‌شده در این مرحله، کدهای زنده بودند.

پس از شناسایی مفاهیم، روابط بین آنها و محور مشترک ارتباط‌دهنده آنها با یکدیگر شناسایی می‌شود. به بیان دیگر، از طریق مقایسه مفاهیم با یکدیگر، محورهای مشترک دیگری به دست می‌آید که به آنها مقوله اطلاق می‌شود. در کل، پس از تحلیل ۳۶۱۷۷ کلمه نقل قول انتخاب‌شده، در این مرحله ۲۱۳ مفهوم نهایی شناسایی شدند. در جدول ۴ نمونه‌ای از مفاهیم (کدهای باز) با فراوانی تکرار مشاهده می‌شود.

1. Atlas.ti
2. Open coding
3. Quotations

جدول ۴. نمونه کدهای باز استخراج شده در نخستین سطح تحلیل

نوع کد	فراوانی	کد باز	نوع کد	فراوانی	کد باز
برساخته	۱	کاهش ارزش دارایی‌های بانک	زنده	۲۲	ایجاد سود موهومی
برساخته	۳	عدم شفافیت گزارشگری	زنده	۱۰	هموارسازی سود
برساخته	۱	کاهش محتوای اطلاعاتی سود	زنده	۸	انباشت دارایی موهوم
برساخته	۷	پنهان‌سازی مشکلات و واقعیت	زنده	۸	جابه‌جایی ثروت
برساخته	۱	ناترازی مزمن بانکها	زنده	۲	بسته‌شدن نماد
زنده	۳	اعطای مجوز برگزاری مجمع	زنده	۱	دارایی‌های سمی

جدول ۵. کمیت کدها بر اساس گروه‌بندی مصاحبه‌شوندگان

کد باز	مدیران بانک	حسابرس مستقل و داخلی	تحلیلگر و ناظر بازار سرمایه	استاد و مشاور دانشگاهی	جمع
۱۸۲	۲۲۶	۲۱۰	۱۱۵	۷۳۳	

در ادامه، چند نمونه کدگذاری مربوط به نقل قول بعضی از مصاحبه‌ها ارائه می‌شود. گزارش زیر بر اساس هر کد باز است و نقل قول‌هایی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد که به مفهوم اشاره کرده است.

کد: دستیابی به سود هدف - مقوله هسته‌ای (فراوانی ۲۵)

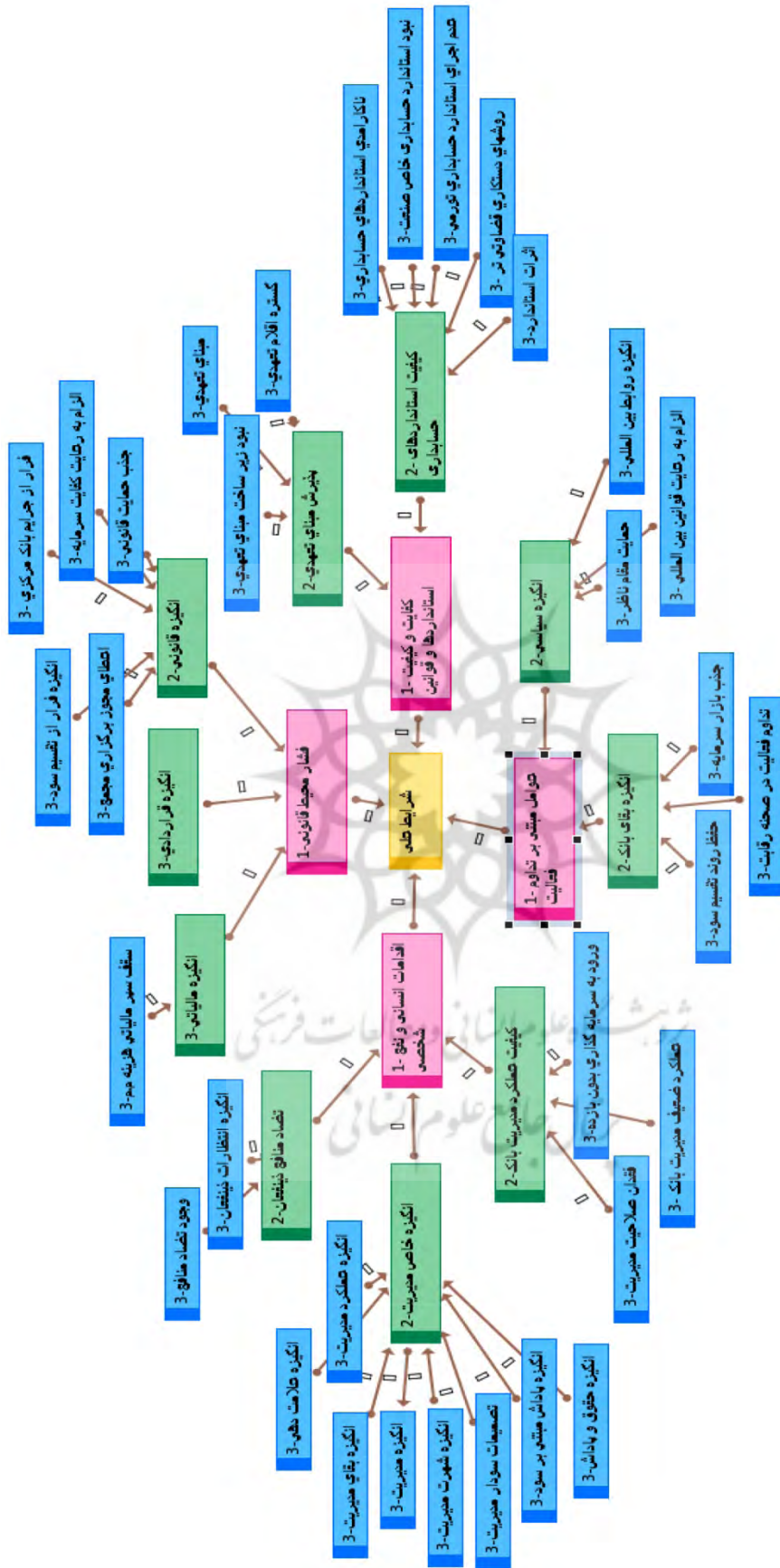
«تو بانک‌های ایرانی باید سود هر سهمی شناسایی بشه. بعد میان بینین درآمد مشاع و سود عملیات اصلی کفافشون رو می‌ده یا از محل درآمدهای سرمایه‌گذاری، یعنی غیرمشاع این اتفاق می‌افته (مصاحبه D11)».

کد: استمهال تسهیلات (فراوانی ۱۶)

«مثلاً مدیریت سود واقعی بحث استمهال وام‌هاست که میان قرارداد جدید می‌بندن و تجدید وام می‌کنن (مصاحبه D18)».

کدگذاری محوری^۱

پس از کدگذاری باز و تشکیل مفاهیم، کدگذاری سطح دوم برای شکل‌گیری ارتباط مقوله‌ها انجام شد. در این مرحله، پژوهشگر ضمن مراجعه به متن عبارتی که هر کد از آن استخراج شده و مقایسه کدها با هم، درصد شناسایی کدهای مشابه برمی‌آید و با تعیین و مرتب‌کردن کدها یا مفاهیم اولیه، کدهای مشابه یا مشترک را در قالب مقوله واحد قرار می‌دهد. برای مثال، با مقایسه مفاهیم مختلف، پژوهشگر دریافت که مفاهیم یا کدهای باز اولیه «پنهان‌سازی مشکل‌ها و واقعیت‌ها»، «عدم شفافیت گزارشگری»، «نمایش غیرواقعی وضعیت بانک»، «کاهش کیفیت سود» و «جنبه آگاهی‌بخشی» به مقوله فرعی «کاهش کیفیت گزارشگری مالی» اشاره می‌کند که در مقوله اصلی با مفهوم «تحریف گزارشگری مالی»، به‌عنوان یکی از پیامدهای اصلی مدیریت سود در صنعت بانکداری، انتزاع شده است. در نهایت، تمامی کدهای سطح اول به ۲۱ مقوله اصلی و ۳۸ مقوله فرعی تقلیل یافتند.

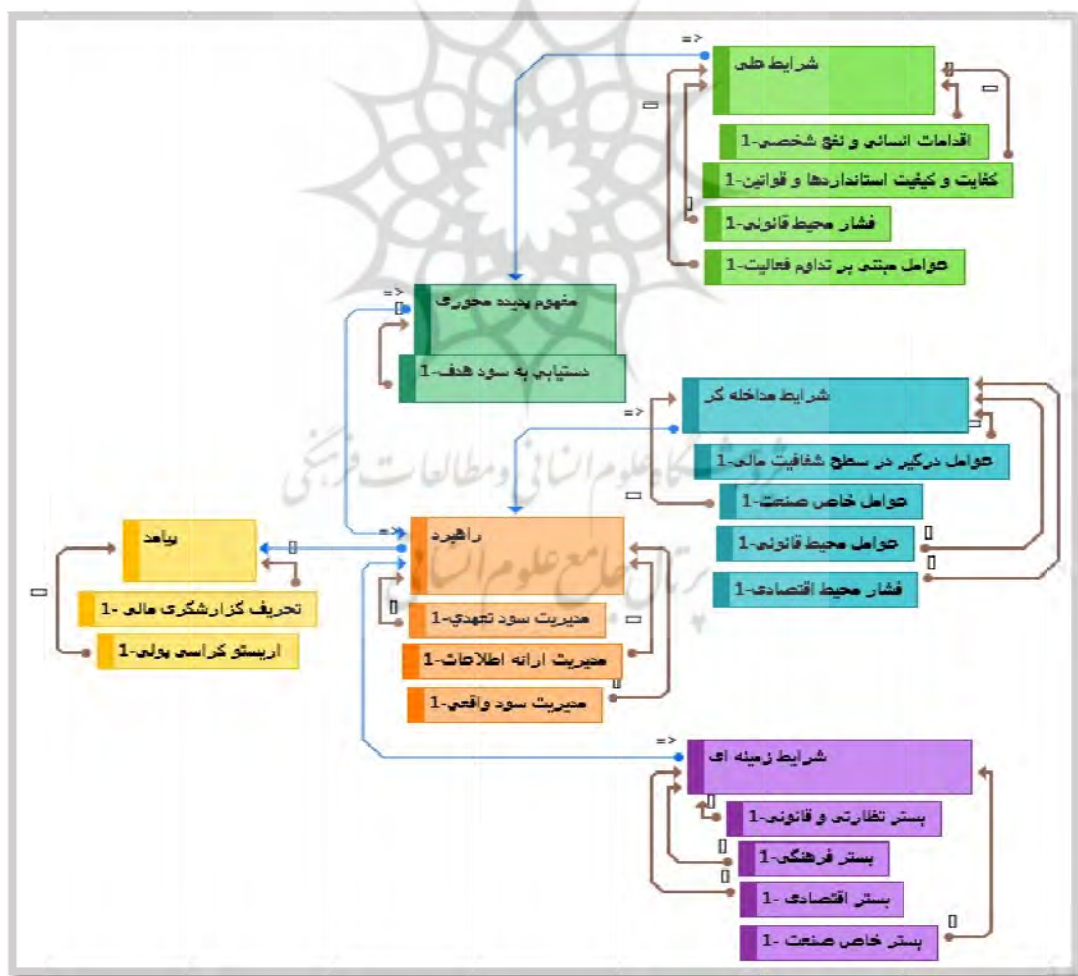


شکل ۱. شبکه مفهومی شرایط زمینه‌ای

در ادامه کدگذاری محوری و تعیین ارتباط بین مقوله‌های فرعی و اصلی، بر اساس مدل پارادایمی مدنظر استراوس و کورین، نوع مقوله‌ها که شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر و همچنین راهبردها و پیامدها را شامل می‌شود، تعیین شدند. در ادامه، نمونه‌ای از شبکه‌های مفهومی استخراج شده از نرم‌افزار نشان داده شده است. در مرحله بعد، یعنی کدگذاری انتخابی، نوع رابطه بین شبکه‌ها بر اساس مقوله هسته‌ای شکل گرفت و در نهایت الگوی مفهومی استخراج شد.

کدگذاری انتخابی^۱

در این مرحله، پژوهشگر توجه خود را به کشف مقوله هسته‌ای معطوف می‌کند، مقوله‌ای که بیشترین قدرت تبیین را دارد و تا حد امکان اشباع شده است (خاکی، ۱۳۹۶). در این پژوهش، مقوله «دستیابی به سود هدف»، به دلیل داشتن بیشترین فراوانی (۲۵) و جامع بودن در مقایسه با سایر مقوله‌ها و همچنین، در برداشتن کلیت مفهومی پدیده مدیریت سود در صنعت بانکداری در سطح انتزاعی و قابلیت ارتباط با انواع مقوله‌ها، به عنوان مقوله هسته‌ای انتخاب شد. شکل ۲ الگوی مفهومی به دست آمده از تحلیل در مرحله سوم را نمایش می‌دهد. در ادامه، به منظور آشنایی بیشتر خوانندگان با مقوله‌ها و مفاهیم، بخش‌های مختلف این الگو تشریح شده است.



شکل ۲. الگوی مفهومی چرایی و چگونگی مدیریت سود در صنعت بانکداری ایران

یافته‌های پژوهش

شرایط علی^۱

استراوس و کوربین در کتاب خود شرایط علی را آن دسته از رویدادها و وقایعی بیان می‌کنند که بر مقوله هسته‌ای اثر گذاشته یا موجب گسترش آن می‌شوند. همان‌طور که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، یکی از مقوله‌های مهم و تأثیرگذار بر مقوله هسته‌ای، اقدامات انسانی و نفع شخصی است. نفع شخصی یکی از فروض بنیادی حاکم بر علم اقتصاد است. باور اقتصاددانان این است که همه فرایندهای اجتماعی مبتنی بر این فرض تبیین و پیش‌بینی می‌شود که افراد بر طبق نفع شخصی خود عمل می‌کنند (اسمیت^۲، ۱۷۷۶). از جمله دلایلی که مصاحبه‌شوندگان برای انگیزه خاص مدیریت از مقوله‌های فرعی مقوله یادشده مطرح کردند، انگیزه‌های پاداش، حقوق، بقا، عملکرد، شهرت، علامت‌دهی و تصمیم‌های سوددار مدیریت بانک بود. از مقوله‌های فرعی دیگری که بارها بدان اشاره شد، مفهوم مبنای تعهدی و پذیرش آن در بانکداری ایران بود که در مقوله کفایت و کمیت استانداردها و قوانین انتزاع شد و یکی از شرایط علی به‌وجود آورنده مقوله هسته‌ای بود. با اجرای مبنای تعهدی، اصلی‌ترین قلم در حسابداری تسهیلات بانکها، یعنی ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول ایجاد شد که تا حد زیادی مستلزم قضاوت و پرآورد مدیریت است.

مقوله هسته‌ای

تمامی کنشگران در پاسخ به سؤال‌های کلیدی مربوط به چیستی مدیریت سود در صنعت بانکداری، بر مفهوم رسیدن به سود مدنظر و هدف اشاره کردند و نقل قول‌ها در تمام موارد، از مدیریت در سود در زمینه قوانین و استانداردهای وضع‌شده برای رسیدن به هدف در نظر گرفته‌شده، حکایت می‌کرد. بنابراین «دستیابی به سود هدف» حائز شرایط مقوله محوری بیان‌شده در بالا بوده و سایر مقوله‌ها و شرایط را پوشش می‌دهد.

راهبردها

اقدام‌های آگاهانه یا ناآگاهانه‌ای که طی تعامل افراد در فرایند مدیریت سود و تحت پدیده محوری و سایر مقوله‌ها رخ می‌دهند. انجام مدیریت سود در بانکها همانند سایر شرکتها، در سه طبقه کلی مدیریت سود واقعی و تعهدی و مدیریت ارائه اطلاعات قرار می‌گیرد. در بخش مدیریت سود واقعی، چهار مقوله فرعی «اعمال تغییر در گزارشگری تسهیلات»، «اعمال تصدی‌گرانه در بانکها»، «شیوه ارزش‌گذاری دارایی‌ها» و «اعمال تغییر با ابزار کوتاه‌مدت» جای گرفتند. کنشگران درگیر در پدیده، به مدیریت طبقه‌بندی تسهیلات، امهال یا استمهال تسهیلات، عدم شناسایی تسهیلات سوخت‌شده، زمان‌بندی اعطای تسهیلات، مدیریت طبقه‌بندی تسهیلات، نگهداری بخشی از تسهیلات به‌صورت سپرده، بنگاهداری، معاملات ضربداری بانکها با هم، معاملات ساختگی دارایی‌ها، اعطای تسهیلات به شرکت‌های فرعی و وابسته، تسعیر ارز، تجدید ارزیابی، مدیریت خرید و فروش اوراق بهادار، حساب بدهکاران موقت، مدیریت ناشی از طبقه‌بندی سرمایه‌گذاری‌ها، به‌عنوان ابزارهای این بخش مدیریت سود اشاره کردند.

1. Causal conditions
2. Smith

در بخش مدیریت سود تعهدی، مصاحبه‌شوندگان به موضوعاتی مانند عدم شناسایی ذخایر مطالبات مشکوک‌الوصول، عدم شناسایی ذخایر کاهش ارزش تسهیلات، ذخایر تعهدات اکچوئری بازنشستگی، ذخیره مالیات و ذخیره بازخرید مرخصی و... شناسایی درآمد موهوم ناشی از پروژه و تسهیلات و طبقه‌بندی درآمد مشاع و غیرمشاع مبتنی بر بانکداری اسلامی اشاره کردند. در بخش آخر مربوط به مدیریت ارائه اطلاعات، مفاهیمی همچون نحوه شناسایی سود سپرده، تغییر محتوا و شکل گزارشگری و تغییر طبقه‌بندی گزارشگری ارقام سود و زیان، کشف شد.

شرایط بستر و زمینه‌ای

راهبردهایی که توسط کنشگران درگیر در پدیده مدیریت سود در صنعت بانکداری اتخاذ می‌شود، تحت تأثیر زمینه خاصی قرار می‌گیرد که در واقع همان محل حوادث متعلق به پدیده است. مصاحبه‌شوندگان در بستر فرهنگی، مفاهیمی مانند «نهادینه‌شدن فرهنگ فساد»، «فقدان فرهنگ مسئولیت پاسخ‌گویی» و «فرهنگ‌شدن پرداخت سود» را مطرح کردند که همگی در مقوله فرعی عدم شفافیت و انضباط مالی انتزاع شدند. سایر شرایط زمینه‌ای به بسترهای اقتصادی، قانونی و خاص شرکت اشاره دارد که به ترتیب به مقوله‌های مهمی مانند اقتصاد بانک‌محور، موضع‌گیری متفاوت نهادهای ناظر و سیاست‌گذاری و فلسفه بانک مربوط می‌شود.

شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر، شرایط خاص مرتبط با موضوع در دست بررسی هستند که بر بروز راهبردها اثر می‌گذارند (خاکی، ۱۳۹۶). با تحلیل مصاحبه‌ها، مقوله‌های اصلی «عوامل خاص صنعت»، «عوامل محیط قانونی»، «فشار محیط اقتصادی» و «عوامل درگیر در سطح شفافیت مالی»، به‌عنوان عوامل مداخله‌گر مدیریت سود بانک‌ها شناسایی شدند که مقوله‌های فرعی کیفیت پایین سلامت مالی بانک‌ها، سطح تخصص و تجربه‌بودن ناظران بانکی، ضعف سیستم و پایگاه داده‌ها، الزامات و تکالیف قانونی بانک مرکزی، تعارض و تعدد قوانین و بخش‌نامه‌های صنعت بانکداری، بدهی دولت به بانک‌ها، نگرش قلمک پرداخت پول به بانک‌ها و مشکل نقدینگی و... را شامل می‌شود. از جمله مفاهیم مهمی که مصاحبه‌شوندگان مطرح کردند، ناکارآمدی و نبود حاکمیت شرکتی و سیستم‌های زیربنایی شفافیت مالی در صنعت بانکداری ایران بود که بر مدیریت سود بانک‌ها تأثیرگذار است.

پیامدها

نتایج اجرای راهبردها را می‌توان در پیامدها مشاهده کرد. با توجه به راهبردهای بیان‌شده در زمینه مدیریت سود در صنعت بانکداری، می‌توان به دو پیامد اصلی «تحریف گزارشگری مالی» و «آریستوکراسی پولی» اشاره کرد. طی دهه‌های اخیر، مهم‌ترین پیامدی که مدیریت سود در صنعت بانکداری به‌همراه داشته، ایجاد سود واهی و انباشت دارایی‌های سمی یا موهوم، کتمان و نمایش غیرواقعی وضعیت بانک، کاهش کیفیت سود بانک و ناترازی مزمن بانک‌ها بوده است. یکی از پیامدهایی که می‌توان در سطح خیلی انتزاعی به آن نگاه کرد، آریستوکراسی پولی است. در مباحث اجتماعی، لفظ آریستوکرات به‌معنای عام، برای قشر فوقانی صاحب امتیاز و دارای نفوذ از یک طبقه یا گروه‌های اجتماعی به‌کار می‌رود که از حقوق و امکانات ویژه‌ای برخوردارند. البته مفهوم بیان‌شده در سطح انتزاعی دو مقوله فرعی

«پیامد تأثیر بر بازار سرمایه» و «پیامد اقتصادی و بازار پولی» قرار می‌گیرد. در بعد تأثیر مدیریت سود بر بازار سرمایه، مصاحبه‌شوندگان مفاهیمی مانند کاهش محتوای اطلاعاتی سود، افزایش عدم تقارن اطلاعاتی، گرفتن شوک بازار، جذب بازار سرمایه و بسته‌شدن نماد را مطرح کردند. در مقوله مربوط به آریستوکراسی، پیامد اقتصادی و بازار پولی قرار گرفته است که مصاحبه‌شوندگان به مفاهیم جابه‌جایی ثروت، مشکل خلق پول و انباشت دارایی موهوم اشاره کردند. در نهایت با توجه به تعریف آریستوکراسی، بانک‌ها هم‌اکنون با فرافکنی، توجیه، بی‌تقصیر جلوه‌دادن خود و رفع مسئولیت از عملکرد مخرب و پرفسادشان، به ایجاد سود موهوم، خلق نقدینگی کاذب، کاهش ارزش پول و دامن‌زدن به رکود اقتصادی بر بازار پولی و اقتصاد بانک‌محور ایران سلطه داشته‌اند. برای مقایسه الگوی به‌دست آمده، متأسفانه الگوی کیفی مشابهی وجود نداشت؛ اما مطابقت بسیاری از مقوله‌های کشف‌شده با ادبیات تجربی را می‌توان در جدول ۶ مشاهده کرد.

جدول ۶. مقایسه مقوله‌های کشف شده با پژوهش‌های تجربی تأییدکننده آنها

نوع مقوله	مقوله	ادبیات تجربی
عقلمندی	اقدام‌های انسانی و نفع شخصی	رابطه پاداش و طرح‌های پاداش مدیریت با مدیریت سود بانک‌ها (کخ و وال، ۲۰۰۰؛ بالسام، ۲۰۰۲؛ بوشمن و اسمیت، ۲۰۰۱).
		امنیت شغلی مدیران و مدیریت سود بانک‌ها (لوبو و یانگ، ۲۰۰۳).
		مدت تصدی مدیریت و پاداش و مدیریت سود بانک‌ها (گین و مورفی، ۱۹۹۲).
		علامت‌دهی مدیر و مدیریت سود بانک‌ها (والاچ، ۱۹۹۱؛ گریفن و وال، ۱۹۹۴؛ احمد، ۱۹۹۹؛ لوبو و یانگ، ۲۰۰۳؛ آناندراجان، حسن و ویواس، ۲۰۰۳؛ کانگاراتنام، ۲۰۰۵؛ نیار و انگ، ۲۰۰۷).
عقلمندی	فشار محیط قانونی	مدیریت سود بانک‌ها و MBE (برگستلر و اما، ۲۰۰۳؛ دی آنجلو و اسکینر، ۱۹۹۶؛ میر و اسکینر، ۲۰۰۶؛ مک اینز و کولینز، ۲۰۰۶؛ چن، ۲۰۰۳).
		مدیریت سرمایه و الزامات کفایت سرمایه و مدیریت سود بانک‌ها (مویر، ۱۹۹۰؛ احمد، ۱۹۹۹؛ بیٹی و لیا، ۲۰۰۹؛ کلیک، ۲۰۱۲؛ بانین و کزاک، ۲۰۱۳؛ آناندراجان، حسن و مک‌کارتی، ۲۰۰۷؛ اوزلی، ۲۰۱۵؛ کورگیو و حسن، ۲۰۱۵).
		انگیزه مالیاتی و مدیریت سود (جان و رانن، ۱۹۹۶؛ ویلسون و ولفسون، ۱۹۹۲؛ میلزو نیوبری، ۲۰۰۱؛ فرانک و رگو، ۲۰۰۶؛ رگو و وان، ۲۰۰۴؛ بومن و هالسی، ۲۰۰۱).
کفایت و کیفیت استانداردها و قوانین	عوامل مبتنی بر تداوم فعالیت	جذب بازار سرمایه انتشار اولیه و فصلی و مدیریت سود بانک‌ها (سینگر، ۲۰۰۷؛ مارکوارت و ویدمن، ۲۰۰۴؛ فریدلن، ۱۹۹۴؛ بیور، مک‌نیکولز و نلسون، ۲۰۰۰؛ شیواکمار، ۲۰۰۰؛ هو، ۲۰۰۳).
		اثر مداخلات قانون و قوانین سخت‌گیرانه افشای حسابداری و الزامات IFRS در محدود کردن هموارسازی سود بانک‌ها (دی آنجلو، ۱۹۸۱؛ کاوالو و مجنون، ۲۰۰۲؛ شین و چی، ۲۰۰۵؛ گنزالز و فانسکا، ۲۰۰۸؛ کانگاراتنام، ۲۰۱۰؛ لیوینتیس، دیمیتراپلاس و آناندراجان، ۲۰۱۱؛ بوآتیر، لپیتیت و سترایل، ۲۰۱۴؛ بالا و رز، ۲۰۱۵؛ عبدالعزیز، تریپ و دامور، ۲۰۱۶؛ دلیز و همکاران، ۲۰۱۸).
		اقدام تعهدی (LLP) و مدیریت سود (اغلب پژوهش‌های تجربی بیان‌شده در ادبیات تجربی با این ابزار انجام است).

ادامه جدول ۶

نوع مقوله	مقوله	ادبیات تجربی
مداخله‌گر	عوامل محیط قانونی	بانکداری اسلامی و مدیریت سود (تاک تک، ۲۰۱۰؛ فاروق، حسن و کلینچ، ۲۰۱۴؛ الناهاس، ایزلیدن و عبدالسلام، ۲۰۱۴؛ اوتمن و مرسنی، ۲۰۱۴؛ سودارمونو، پارامونو و تارازی، ۲۰۱۷).
	عوامل درگیر در سطح شفافیت مالی	حاکمیت شرکتی و مدیریت سود بانکها (کرنز، مک‌نوت و تهرانیان، ۲۰۰۹؛ لوینتیس و دیمترایلاس، ۲۰۱۲؛ جنسن، ۲۰۰۰؛ دجو، اسلون و سوینی، ۱۹۹۶؛ ابوت، پارکر و پیترز، ۲۰۰۴؛ آلیوز، ۲۰۱۱).
	عوامل خاص صنعت	کیفیت حسابرسی مستقل و مدیریت سود بانکها (فرانسیس و کریشنن، ۱۹۹۹؛ دی آنجلو، ۱۹۸۱؛ براون، ۲۰۰۳؛ کریشنن، ۲۰۰۵؛ یو، ۲۰۰۸).
		مدیریت ریسک و سود بانکها (کوهن، مارکوس، کورنت و تهرانیان، ۲۰۱۴).
بستر	فشار محیط اقتصادی	نقش تحلیلگران و مدیریت سود بانکها (چنگ، ۲۰۰۵؛ آباربانل و برنارد، ۱۹۹۲؛ آباربانل و لهایوی، ۲۰۰۳؛ برادشو، ۲۰۰۱).
	بستر فرهنگی	خاص بستر ایران - نوسان‌های ارزی و بازده بانک (محق‌نیا، حسینی و جعفری، ۱۳۹۲). نوسان‌های ارزی و شاخص‌های عملکرد بانکها (حسینی، زمانیان و باقری جم، ۱۳۹۵). اهرم مالی و نقدینگی بر مدیریت سود بانکها (نادی قمی و همکاران، ۱۳۹۶).
	بستر اقتصادی	لویو (۲۰۱۱ و ۲۰۱۵).
	بستر خاص صنعت	رکود اقتصادی (سورینا، ۲۰۰۹؛ باغومیان، ۱۳۹۶). مدل ذخیره‌گیری پویای LLP و فشار اقتصادی (دجو، اسلون و سوینی، ۱۹۹۶؛ ابوت، پارکر و پیترز، ۲۰۰۴؛ آلیوز، ۲۰۱۱).
راهبردها	بستر قانونی	ویژگی بانکها و مدیریت سود (بهات، ۱۹۹۶؛ آنانداراجان، حسن و مک‌کارتی، ۲۰۰۷).
	مدیریت سود واقعی	خاص صنعت بانکداری ایران
	مدیریت سود تعهدی	مدیریت فروش سرمایه‌گذاری‌ها (بارث، هانسن و پاونال، ۲۰۱۰؛ دانگ، ریان و ژانگ، ۲۰۱۴).
	مدیریت ارائه اطلاعات	مطالعات ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول که شامل اکثر پژوهش‌های مدیریت سود بانکها می‌شود.
پیامد	تحریف گزارشگری مالی	مدیریت کردن شفافیت ارائه صورت‌های مالی، برای مثال واکنش تحلیلگران و گزارشگرهای وال استریت به یادداشت‌های همراه افرون (اسمیت و والتر، ۲۰۰۶) و همچنین انتخاب بین ارائه اقلام خاص در خطوط جداگانه صورت سود و زیان یا درج آن در یادداشت‌های همراه (ریدل و سرنیواسان، ۲۰۰۶).
	آرستوکراسی پولی	مدیریت کردن اطلاع‌دهندگی یا آگاهی‌بخشی سود از طریق ابزارهای مختلف، مانند گزارشگری صورت سود و زیان جامع به‌جای صورت سود و زیان (لی و وانگ، ۲۰۰۶).
		هموارسازی و مدیریت سود افزایشی و کاهش مطالبات ذکر شده در ادبیات تجربی
		خاص صنعت بانکداری ایران

ملاک‌های ارزشیابی مدل مفهومی

زاویه‌بندی

زاویه‌بندی به معنای اجماع داده‌هاست، به بیان دیگر، به استفاده از منابع چندگانه داده‌ها، مانند گردآوری داده‌ها از گروه‌های مختلف، محیط‌های مختلف یا در زمان‌های مختلف گفته می‌شود (ابوالمعالی، ۱۳۹۱). در این پژوهش، از منابع چندگانه

علمی و حرفه‌ای برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است؛ به طوری که در نخستین گام زاویه‌بندی، بررسی متقابل^۱ بین پاسخ‌های دو گروه داخلی بانک (مدیران اجرایی و عالی‌رتبه و حساب‌رسان داخلی) با گروه خارج از بانک (حساب‌رسان مستقل، تحلیلگران و ناظران و برخی از استادان دانشگاهی) انجام شد و در مرحله دوم زاویه‌بندی، مقایسه‌ای بین اطلاعات جمع‌آوری شده از مصاحبه‌شوندگان با اطلاعات منتشرشده در صورت‌های مالی حسابرسی شده و یادداشت‌های همراه و بند شروط گزارش حساب‌رسان انجام گرفت.

کنترل اعضا

نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش، در اختیار دو نفر از افراد مصاحبه‌شونده و دو نفر از افرادی که در مصاحبه شرکت نکردند ولی استاد راهنما آنها را تأیید کرده و جزء خبرگان صنعت بانکداری بودند، قرار گرفت و در نهایت نظر تعدیلی آنها اعمال شد.

معیار مقبولیت

مقبولیت بدین معناست که یافته‌های پژوهش تا چه حد در انعکاس تجربه مشارکت‌کنندگان و پژوهشگر، در رابطه با مورد مطالعه موفق بوده و برای خواننده باورپذیر است. استراوس و کوربین برای این منظور ۱۰ شاخص معرفی کرده‌اند که مقبولیت این پژوهش بر مبنای آنها ارزیابی شد. این ۱۰ شاخص عبارت‌اند از: تناسب، کاربردی بودن یافته‌ها، زمینه مفاهیم، منطقی، عمق، انحراف، بداعت، حساسیت و استناد به یادداشت‌ها (استراوس و کوربین، ۲۰۰۸).

نتیجه‌گیری

با توجه به نقش مهم بانک‌ها در اقتصاد، این صنعت همواره در کانون توجه قانون‌گذاران در بحث شفافیت گزارشگری مالی و مدیریت سود قرار داشته است. صنعت بانکداری از ویژگی‌های خاصی برخوردار است، از این رو، مراقبت حرفه‌ای مقام ناظر برای جلوگیری از بحران‌های بانکی، اهمیت فراوانی دارد. تجارب اخیر در خصوص بحران‌های بانکی، حاکی از دستکاری و مدیریت سود در این بنگاه‌هاست. دهه ۸۰ آغازگر مطالعات مدیریت سود بانک‌ها بود؛ اما در ایران، هنوز این صنعت نتوانسته است به خوبی در متون مدیریت سود و پژوهش‌ها حسابداری جای باز کند. صنعت بانکداری ایران در چند دهه اخیر با مشکلات بسیاری مواجه بوده است؛ به طوری که وضعیت سلامت بانک‌های ایران با بحران مواجه شده و با توجه به اقتصاد مبتنی بر بانک در ایران، نتایج این بحران، آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر اقتصاد و ارزش پولی کشور وارد کرده است. با توجه به توضیح‌های بیان‌شده، هدف پژوهش حاضر، کشف مفاهیم مدیریت سود بانک‌ها و شناسایی عوامل و مفاهیم چپستی، چرایی و چگونگی انجام آن بود. به همین منظور، با استفاده از روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای و رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین، بر شناسایی مفاهیم و شرایط علی‌دستیابی به سود هدف، راهبردهای اتخاذشده برای انجام مدیریت سود بانک‌ها و همچنین، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر این پدیده تمرکز کرد که نتیجه آن، دستیابی به الگوی مفهومی مطابق با شکل ۲ و مقایسه تفصیلی اغلب مقوله‌های کشف‌شده مطابق با جدول ۶ بود.

پیشنادهایی برای پژوهش‌های آتی

۱. در پژوهش کیفی دیگری، الگوی مفهومی مدیریت سود برای بانک‌های خصوصی و دولتی تفکیک و ترسیم شود.
۲. پژوهش کیفی مشابهی در صنعت بیمه انجام شود.
۳. با شناسایی علل بروز و راهبردهای انجام این پدیده در صنعت، می‌توان با پیاده‌سازی آزمون‌های کمی متفاوت، تأثیر عوامل بیان‌شده و رابطه آن با راهبردها را بررسی کرد که خود زمینه ده‌ها پژوهش کمی مدیریت سود بانک‌ها در ایران را فراهم می‌سازد.
۴. پژوهشی کیفی به‌منظور بررسی ذخیره زیان وام‌ها و مدل‌های آن در صنعت بانکداری انجام شود.

پیشنادهای کاربردی پژوهش

۱. یکی از مقوله‌های کشف‌شده از عوامل مدیریت سود بانک‌ها، مدیریت حرفه‌ای در سطح بانک است. اصلاح ساختار سهام‌داری بانک‌ها و استقرار مدیریت حرفه‌ای در بانک‌ها، می‌تواند در جهت ارتقای سلامت بانک‌ها، مؤثر باشد.
۲. با توجه به اینکه یکی از مقوله‌های مطرح‌شده کنشگران، نبود حاکمیت شرکتی در بانک‌ها بود، تصویب و اجرای آن توسط نهادهای ذی‌ربط باید در دستور کار قرار گیرد. در همین رابطه، لزوم توجه بر تقویت نظام کنترل‌های داخلی و پایش مستمر عملیات بانک‌ها با ایجاد و قوی‌تر کردن کمیته حسابرسی داخلی، نقش مؤثرتری در کشف و پیشگیری انجام مدیریت سود بانک‌ها ایفا می‌کند.
۳. در بانکداری ایران، تسهیلات معوق که از مفاهیم کشف‌شده و مهم بانک‌ها به‌منظور دستکاری برای مدیریت سود است، بر اساس سیستم درست اعتبارسنجی نیست. پیاده‌سازی این سیستم و اجرای آن به‌طور دقیق در بانک‌ها، از عوامل مهم بازدارنده نکول مطالبات و در نهایت کاهش دستکاری در آن است. همچنین به فرایند ارزشیابی درست در جهت انطباق با استانداردهای IFRS هم کمک خواهد کرد.
۴. با توجه به اهمیت حسابرسان مستقل در ارزیابی گزارش‌های بانک‌ها و کشف مدیریت سود و تقلب، توصیه می‌شود مقام‌های ناظر بانکی بر تقویت این شاخه، به‌ویژه برای افزایش تخصص، دانش و مهارت حسابرسان تأکید بیشتری کنند، برای مثال، ادغام مؤسسه‌های حسابرسی خصوصی و ایجاد مؤسسه‌های بزرگ حسابرسی.
۵. با توجه به مقوله علی کیفیت و کمیت استانداردها و قوانین، می‌توان تصویب استانداردهای خاص صنعت بانکداری را برای شفاف‌سازی بیشتر و تعارض کمتر بین قوانین و استانداردها، به‌خصوص در بحث شناسایی درآمد به روش تعهدی، در رئوس کاری مربوط به نهادهای تصویب‌کننده استانداردهای این صنعت قرار داد.
۶. در خصوص مقوله تعارض قوانین با هم (قانون مالیات‌های مستقیم و پذیرفتن ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول بانک‌ها)، پیش‌بینی مقررات لازم در قانون مالیات‌های مستقیم، به‌منظور تطبیق آن با مقررات بانک مرکزی، می‌تواند در کشف و شناسایی این قلم تعهدی مهم و اصلی بانک‌ها و افزایش کیفیت سود بانک‌ها مؤثر باشد.
۷. با توجه به کشف و تأکید بر مقوله نبود تعامل بین نهادهای ناظر و استانداردارگذار، برقراری هر چه بیشتر ارتباط بین ناظران سیستم بانکی (به‌ویژه بانک مرکزی و حسابرسان مستقل) برای افزایش اثربخشی نظارت بر گزارشگری شفاف بانک‌ها پیشنهاد می‌شود.

۸. با توجه به پذیرش استانداردهای بین‌المللی و نبود زیرساخت ارزش منصفانه برای ارزش‌گذاری درست تسهیلات و وثایق مربوط به آنها، راه‌اندازی مؤسسه‌های رتبه‌بندی در ایران، ایجاد ارزشیاب مستقل، گزارشگری و نظارت بر ارزش‌های منصفانه و پیاده‌سازی نظام ارزش‌های منصفانه را می‌توان برشمرد.

منابع

- ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۹۱). *پژوهش کیفی از نظریه تا عمل*. تهران: نشر علم.
- استراوس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (۱۹۹۰). *مبانی پژوهش کیفی*. (حسن افشار، مترجم). تهران: نشر نی.
- بدری، احمد؛ ابراهیم‌نژاد، علی؛ طهماسبی ترشیزی، علی (۱۳۹۷). مدیریت سود و قیمت‌گذاری ریسک در صنعت بانکداری: شواهدی از ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۵ (۶۰)، ۱-۳۲.
- بدری، احمد؛ زمان‌زاده، حمید (۱۳۹۶). تحلیل آثار ناترازی ترازنامه نظام بانکی بر متغیرهای پولی و راهکارهای تعدیل این ناترازی. *فصلنامه پژوهش‌های پولی و بانکی*، ۱۰ (۳۴)، ۶۲۱-۶۵۶.
- حجازی، رضوان؛ محمدی، شاپور؛ اصلانی، زهرا؛ آقاجانی، مجید (۱۳۹۱). پیش‌بینی مدیریت سود با استفاده از شبکه عصبی و درخت تصمیم در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۹ (۲)، ۳۱-۴۶.
- خاکی، غلام‌رضا (۱۳۹۶). *روش تحقیق گراندیدی با رویکرد پایان‌نامه نویسی*. تهران: نشر فوژان.
- کریمی‌پور سربزیدی، سعید (۱۳۹۷). مروری بر بحران عدم کفایت سرمایه بانک‌ها و بررسی راهکارهای برون رفت از آن. *مجله حسابداری*، ۳۱۴، ۲۷-۲۹.
- لنگری‌زاده، مسعود؛ ملانظری، مهناز (۱۳۹۰). *بررسی هموارسازی سود از طریق ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول در صنعت بانکداری ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران.
- مشایخی، بیتا؛ عظیمی، عابد (۱۳۹۵). تأثیر توانایی‌های مدیریت بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۳ (۲)، ۲۵۳-۲۶۷.
- نادی قمی، ولی؛ حاجی‌زاده، بهاره؛ گمار، عباس (۱۳۹۶). بررسی تأثیر اهرم مالی و نقدینگی بر مدیریت سود و سرمایه بانک‌های تجاری ایران. *فصلنامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی*، ۳ (۶۷)، ۱۳۱-۱۵۶.
- نجفی مقدم، علی؛ صفا، رضا (۱۳۹۷). بررسی تأثیر ریسک اعتباری بر نرخ نقدینگی و مدیریت سود بانک‌ها. *فصلنامه مدیریت کسب‌وکار*، ۴۰، ۸۷-۱۱۰.
- ودیدی، محمد حسین؛ ساعی، محمد حسین (۱۳۹۸). بررسی ارتباط بین اقلام تعهدی اختیاری خاص شرکت و بازده غیرعادی آتی سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۶ (۱)، ۱۵۱-۱۶۸.

References

- Abolmaali, Kh. (2011). *Qualitative Research- Theory and Practice*, Tehran, Nashre-Elm. (in Persian)

- Ahmed, A. S., Takeda, C., & Thomas, S. (1999). Bank loan loss provisions: A reexamination of capital management, earnings management and signaling effects. *Journal of Accounting and Economics*, 28(1), 1-25.
- Anandarajan, A., Hasan, I. & McCarthy, C. (2007). Use of loan loss provisions for capital, earnings management and signaling by Australian banks. *Accounting and Finance*, 47, 357-379.
- Badri, A., & Zamanzadeh, H. (2017). Analysis of the effects of banking system unbalanced on monetary variables and solutions to mitigate this. *Journal of Monetary and Banking Research*, 10(34), 621-656. (in Persian)
- Badri, A., Ebrahimnejad, A., & Tahmasebi Torshizi, A. (2019). Earnings Management and Risk Valuation in the Banking Industry: Evidence from Loan Loss Provisions. *Empirical Studies in Financial Accounting Quarterly*, 15(60), 1-32.
- Beatty, A., & Liao, S. (2009). *Regulatory capital ratios, loan loss provisioning and procyclicality*. Columbus United States: Ohio State University, Unpublished Mimeographed document.
- Beaver, W., & Engel, E. (1996). Discretionary behavior with respect to allowances for loan and the behavior of stock prices. *Journal of Accounting & Economics*, 22, 177-206.
- Beaver, W. H., Mc Nichols, M. F. & Nelson, K. K. (2003). Management of the loss reserve accrual and the distribution of earnings in the property-casualty insurance industry, *Journal of Accounting and Economics*, 35, 347-376.
- Bonin, J., & Kosak, M. (2013). *Loan loss provisioning in emerging Europe: Precautionary or procyclical?* Wesleyan University, Department of Economics.
- Bradshaw, M. T., Richardson, S. A., & Sloan, R. G. (2001). Do analysts and auditors use information in accruals? *Journal of Accounting Research*, 39, 45-74.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2008). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory (3rd Ed.)*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Curcio, D., & Hasan, I. (2015). Earnings and capital management and signaling: The use of loan-loss provisions by European banks. *The European Journal of Finance*, 21(1), 26-50.
- Dye, R. A. (1988). Earnings management in an over lapping generations model. *Journal of Accounting Research*, 26(2), 195-235.
- Eng, L. L., & Nabar, S. (2007). Loan loss provisions by banks in Hong Kong. *Journal of International Financial Management & Accounting*, 18(1), 18-38.
- FASB. (1978). *Statement of financial accounting concepts No. 1: Objectives of financial reporting by business enterprises*.
- Greenawalt, M. B., & Sinkey, J. F. J. (1988). Bank loan-loss provisions and the income smoothing hypothesis: An empirical analysis. *Journal of Financial Services Research*, 1, 301-318.
- Gunther, J. W., & Moore, R. R. (2003). Loss under reporting and the auditing role of bank exams. *Journal of Financial Intermediation*, 12, 153-177.

- Hejazi, R., Mohamadi, Sh., Aslani, Z., & Aghajani, M. (2012). Earnings Management Prediction Using Neural Networks and Decision Tree in TSE. *Accounting and Auditing Review*, 19(2), 31-46. (in Persian)
- Jensen, M.C., & Meckling, W.H. (1976). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs, and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3, 305-360.
- Kanagaretnam, K., Lobo, G. J., & Yang, D. H. (2005). Determinants of signaling by banks through loan loss provisions. *Journal of Business Research*, 58(3), 312-320.
- Karimipoor, S. (2017). A Review of Banks' Capital Adequacy Crisis and Investigation of Exit Strategies. *Hesabdar Magazine*, 314, 27-29. (in Persian)
- Khaki, Gh. (2017). *Grounded Theory research method with the thesis approach*. Tehran: Fujian Publication. (in Persian)
- Kilic, E., Lobo, G. J., Ranasinghe, T., & krishnan, K. S. (2012). The impact of SFAS 133 on income smoothing by banks through loan loss provisions. *The Accounting Review*, 88(1), 233-260.
- Krishnan, K. S. (1999). *Loan Portfolio Information and Accounting Banks, Dissertation*.
- Langarizadeh, M., & Mollanazari, M. (2011). *Investigating earnings Smoothing by loan loss provisions in Iranian Banking Industry*. M.Sc., Tehran, University of Tehran. (in Persian)
- Lobo, G. J., & Yang, D. H. (2003). Bank managers' heterogeneous decisions on discretionary loan loss provisions. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 16, 223-250.
- Lobo, G. J., Kanagaretnam, K., & Mathieu, R. (2004). Earnings management to reduce earnings variability: Evidence from bank loan loss provisions. *Review of Accounting and Finance*, 3(1), 128-148.
- Mashaykhi, B., & Azimi, A. (2016). Influence Of Manager's Abilities On The Relation Between Real Earning Management And Future Firm Performance. *Accounting and Auditing Review*, 23(2), 253-267. (in Persian)
- Moyer, S. E. (1990). Capital adequacy ratio regulations and accounting choices in commercial banks. *Journal of Accounting and Economics*, 13, 123-154.
- Nadi Gomi, V., Hajizadeh, B., & Gomar, A. (2017). The Impact of Financial Leverage and Liquidity on earnings and Capital Management of Commercial Banks of Iran. *Quarterly Journal of Islamic Finance and Banking Studies*, 3(67), 131-156. (in Persian)
- Najafi Moghadam, A., & Safa, R. (2018). Investigating the Impact of Credit Risk on Bank Liquidity and earnings Management. *Journal of business management*, 40, 87-110. (in Persian)
- Ozili, P. K. (2015). Loan loss provisioning, income smoothing, signalling, capital management and pro cyclicity: Does IFRS matter? Empirical evidence from Nigeria. *Mediterranean Journal of Social Science*, 6(2), 224-232.
- Ozili, P. K., & Outa, E. (2017). Bank loan loss provisions research: A review, *Borsa Istanbul Review*, 17(3), 144-163.

- Povel, P., Singh, R., & Winton, A. (2005). *Booms, busts, and fraud*. Working Paper, University of Minnesota.
- Scholes, M. S., Wilson, G. P., & Wolfson, M. A. (1992). Tax planning, regulatory capital planning, and financial reporting strategy for commercial banks. *The Review of Financial Studies*, 3(4), 625–650.
- Skała, D. (2015). Saving on a rainy day? Income smoothing and pro cyclicity of loan-loss provisions in Central European banks. *International Finance*, 18(1), 25-46.
- Smith, A. (1776). *Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*, New York: Prometheus Books.
- Smith, C. W., & Warner, J. B. (1979). On financial contracting: An analysis of bond covenants. *Journal of Financial Economics*, 7(2), 117-161.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research* (translate Afshar), Tehran, Nashr Ney. (in Persian)
- Sun, L., & Rath, S. (2008). Fundamental Determinants, Opportunistic Behavior and Signaling Mechanism: An Integration of Earnings Management Perspectives. *International Review of Business Research Papers*, 4, 406-420.
- Trueman, B., & Titman, Sh. (1988). An explanation for accounting income smoothing. *Journal of Accounting Research*, 29(3), 127–139.
- Vadiei, M.H., Saei, M.H. (2019). The Relationship between Firm-Specific Discretionary Accruals and Stock Future Abnormal Returns. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 26(1), 151-168. (in Persian)
- Wahlen, J. M. (1994). The nature of information in commercial bank loan loss disclosures. *The Accounting Review*, 69(3), 455–478.
- Watts, R. L., & Zimmerman, j. L. (1986). *Positive Accounting Theory*. Englewood Cliffs: Prentice Hall.